

فصلنامه ژئوپلیتیک - سال دهم، شماره سوم، پاییز ۱۳۹۳

صص ۱۹۹-۱۷۶

سازماندهی سیاسی فضا در ساختارهای بسیط

دکتر زهرا احمدی پور* - دانشیار جغرافیای سیاسی، دانشگاه تربیت مدرس
دکتر یحیی میرشکاران - دانش‌آموخته دکتری جغرافیای سیاسی، دانشگاه تربیت مدرس
دکتر برنارد هورکاد - استاد جغرافیا، مرکز ملی تحقیقات علمی، پاریس، فرانسه

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۲/۱۰/۵

تاریخ دریافت: ۱۳۹۲/۲/۱۹

چکیده

تقسیم قدرت بین مرکز و نواحی پیرامون و ناحیه‌بندی سیاسی درون کشور نتیجه تفکر و اندیشه نظام سیاسی هر کشور است. قدرت حکومت به صورت افقی بر سرزمین جریان پیدا می‌کند. از این رو اداره سرزمین و چگونگی آن از مهم‌ترین امور کشورداری است که باید بر اساس مؤلفه‌های کارآمدی باشد که بتواند به وحدت ملی و حفظ تمامیت ارضی کشور منجر شود. تقسیمات کشوری چارچوب و استخوان‌بندی سرزمینی کشور به‌عنوان بستری برای تأمین امنیت ملی، کشوری و ناحیه‌ای به موازات مهیاسازی شرایط مطلوب برای توسعه متوازن و متعادل تمامی مناطق کشور می‌باشد. لازمه چنین بستری، شناسایی، نگاه همه‌جانبه و سیستماتیک به مقوله سازماندهی فضا و عوامل و مؤلفه‌های آن می‌باشد تا بتواند تمامی جریان‌های حرکتی موجود در سطوح مختلف ساختار سیاسی فضا (کشور) را پوشش دهد.

پژوهش حاضر تلاش دارد با رویکردی سیستماتیک تقسیمات کشوری را به‌عنوان یک سیستم که بستر و زیر بنای ساختار سیاسی (کشور) بوده و حیات و تحرک زیرسیستمی با جریان بر روی آن تداوم می‌یابد را مورد بررسی قرار داده و به ارائه الگوی سازماندهی سیاسی فضا در ساختارهای بسیط (تمرکزگرا) بپردازد. نتایج نشان می‌دهد الگوی سیستمی در ساختارهای بسیط به دو شکل تعادل و عدم تعادل فضایی خود را نشان می‌دهد؛ لذا توجه سیستمی به مؤلفه‌ها و شاخص‌های تأثیرگذار در فرایند سازماندهی باعث شکل‌گیری جریان مداوم و پایدار روابط فضایی شده و سیستم سیاسی کشور را تحکیم می‌نماید. واژه‌های کلیدی: سازماندهی سیاسی فضا، الگوی بسیط، ساختار سیستماتیک فضا، تقسیمات کشوری.

۱- مقدمه

سازمان‌ها نقش عمده‌ای در جهان معاصر ایفا می‌کنند و فعالیت آنها تمامی بخش‌های زندگی را تحت تاثیر قرار می‌دهد. در این بین کشورها فعال‌ترین سازمان حاضر در معادلات پیچیده نظام جهانی می‌باشند که برای آنها کارکردهای مختلفی متصور می‌باشند. کارکرد دولت‌ها تاثیرات اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی، سیاسی و... بر فضای جهانی دارد. عملکرد فضایی دولت‌ها با توجه به سطح قدرت و وزن آنها چشم‌اندازهای فضایی متفاوتی را از سطح جهانی تا سطح فروملی (محلی) نمایان می‌سازد (Taylor, ۱۹۷۵: ۱۰).

عمده‌ترین اثرگذاری دولت‌ها در فضای داخلی و به‌واسطه سازماندهی فضایی صورت می‌گیرد. از این‌رو کیفیت و چگونگی سازماندهی فضا، همواره کانون تحولات داخلی کشورها می‌باشد. دولت‌ها به‌دنبال ساماندهی چارچوبی منطقی برای ساختار و کارکردهای فضای داخلی هستند تا به این وسیله روند بقای خود را استمرار بخشند و این امر نیازمند شناخت چارچوب‌ها و تحلیل منطقی اصول حاکم بر ساختار، کارکرد و تکوین فضا و درک خصیصه‌های آن می‌باشد.

جغرافیدانان ساختارگرا معتقدند که شناخت ویژگی‌های فضا رویکردی کل‌نگر را طلب می‌کند و مطالعه جداگانه پدیده‌های فضا منجر به شناخت کامل و جامع از فضا نخواهد شد؛ چرا که هر پدیده با توجه به مجموعه پدیده‌هایی که با آن در ارتباط می‌باشند و از هم تاثیر و تأثر می‌پذیرند؛ قابل بررسی است. از این‌رو، هر رویکردی که بخواهد کارکردهای اجتماعی، اقتصادی، سیاسی و... را با ساختار فضایی کشور پیوند دهد، باید توجه نماید که ساختار فضایی و فرایندهای موجود، حاصل کارکردهایی می‌باشد که حکومت در کانون آن قرار دارد. این پدیده‌ها از ابعاد و اجزاء مختلفی شکل گرفته‌اند که در یک نظام به هم پیوسته (سیستم) در کنش متقابل (روابط سیستمی) با یکدیگر به‌صورت پویا در حال تغییر و تکامل است. این سیستم به‌واسطه کنش عواملی عمل می‌کند که عناصر ایجاد کننده فرایندها به حساب می‌آیند و سبب‌ساز تداوم وقایع و اعمالی است که مبین نوعی وحدت هستند و با تبعیت از نظمی معین ایجاد می‌شوند (Dollfus, ۱۹۹۰: ۶۷). هر رویکردی که بخواهد اشکال فضایی موجود در کشور را

شناسایی کند، باید کارکردهای سیاسی، فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی و ... را با ساختار حاکم بر آن پیوند داده و توجه نماید که اشکال فضایی و فرایندهای سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی متغیرهای مختلف تفکر درباره موضوعی واحد (کشور) هستند که بر روی هم ساختار فضایی خاص خود را ایجاد می‌کنند. این رویکرد به فضا، لزوم توجه به «تحلیل سیستمی» در ساز و کار سازماندهی فضای جغرافیایی توسط دولت‌ها را بیش از پیش نمایان می‌سازد. پژوهش حاضر الگوی سیستمی سازماندهی سیاسی فضا را به‌عنوان بستر و زیربنای شکل ویژه ساختار سیاسی، اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی و جغرافیایی کشور تبیین نموده و به بیان الگوی سیستمی سازماندهی سیاسی فضا در ساختار بسیط می‌پردازد.

۲- روش تحقیق

پژوهش حاضر به‌لحاظ روش، توصیفی-تحلیلی و از نظر نوع، بنیادی-کاربردی به‌شمار می‌آید. به علت ارتباط متقابل و یکپارچه بین اجزاء، وابستگی و درهم تأثیری کانون‌ها، شبکه‌ها و جریان‌های منطقه‌ای اسلوب سیستمی برای پژوهش انتخاب شده است. در مطالعات کتابخانه‌ای شیوه انجام پژوهش نوعاً توصیفی-تحلیلی و ابزار گردآوری داده‌ها و اطلاعات آن، استفاده از منابع مختلف از جمله کتب، مجلات و فصلنامه‌ها، اسناد و متون رسمی، اینترنت و جستجو در بانک‌های اطلاعاتی مرتبط با موضوع می‌باشد.

۳- پیشینه تحقیق

سازماندهی سیاسی فضا با عناوینی چون Political Organization of Space, Administrative Handely &) Division, Subnational Entity, Country Subdivision and Redistricting (Grofman, ۲۰۰۸: ۱۲۰) در ادبیات علمی جهان مورد بررسی قرار می‌گیرد. در جدول شماره ۱ به تعدادی از تحقیقات نزدیک به موضوع تحقیق اشاره شده است.

جدول شماره ۱: پژوهش‌های صورت گرفته در زمینه سازماندهی سیاسی فضا

فعالیت	عنوان	پژوهشگر
تشریح مدل‌های مورد استفاده برای سازماندهی و ارائه مدلی ترکیبی	مشکلات استفاده از مدل اندازه و مرتبه در سازماندهی سیاسی فضا	Garfinkel, R(۲۰۰۴)
نقش نهادها و سازمانهای مرتبط در امر سازماندهی فضای داخلی کشور بلژیک و اثراتی که این فضا از نیروهای بیرونی دریافت می‌کند را مورد بررسی قرار می‌دهد.	ناحیه‌بندی سیاسی و چگونگی گسترش نقش آن در و توسعه کشور	David, Cerickemans(۲۰۰۵)
بررسی مؤلفه‌های مجاورت، تراکم و پراکنش جغرافیایی جمعیت در تعیین حوزه‌های انتخاباتی	سازماندهی سیاسی مجدد فضا با کاربرد آن در نیویورک	Cai, Herve,Rui Reed(۲۰۰۷)
فرایند سازماندهی انتخاباتی و تغییرات موجود و نتایج و آثار آن بر وضعیت احزاب	ناحیه‌بندی سیاسی و نمود آثار دموکراتیک آن در فضای اجتماعی آمریکا	Micah, Altman(۱۹۹۶)
درک اهمیت سازماندهی سیاسی قلمروها در دنیای معاصر و چگونگی شکل‌گیری آن در نقشه جهان	سازماندهی سیاسی فضا در جغرافیای جایگزینی پیشرفته انسان	Alexandder Murphy(۱۹۹۳)
سازمان سیاسی فضا اولین و مهمترین سطح از برنامه‌های توسعه سرزمین در فضای ملی	مدیریت توسعه پایدار و فشار نیروهای بین‌المللی و داخلی، نمونه اسکاندیناوی	Karoline, Van den brande(۲۰۰۴)
استفاده از نرم‌افزار GIS برای سازماندهی و تعیین نقاط قوت و ضعف آن	ناحیه‌بندی سیاسی سرزمین در هند، فرصت‌ها و تهدیدها	Sundeep,Geoff, Walsham(۱۹۹۹)
مشکلات و مسائل مورد مناقزه در سازماندهی فضا و تعیین حدود و اختیارات قانونی سیستم‌های فدرال	مشکلات و تعارضات در سازماندهی سیاسی فضا	Rex, Honey(۱۹۷۲)
تجدید ساختار سیستم فضایی - اداری چین و ارتقا بخش‌ها به شهر و تجدید ساختار شهرهای مرکزی	تجدید ساختار اداری شهری، تغییر مقیاس روابط و توسعه اقتصادی محلی در چین	Laurence J.C Ma(۲۰۰۴)
شهر تقسیم شده به بخشهای نژادی - زبانی و موقعیت شهر بروکسل به عنوان یک واحد سیاسی - سرزمینی در سیاست بزرگتر بلژیک یک حس وحدت را ترویج می‌دهد.	بروکسل: بخش در واحد یا واحد در بخش	A.B Murphy(۲۰۰۲)
اصلاحات تقسیمات اداری و مرزهای تقسیماتی در ساختار فضایی کشور مجارستان	اصلاحات تقسیمات اداری در مجارستان	Zoltan Hajdu(۲۰۰۰)
تحلیل سازماندهی حوزه‌های انتخابی و تجارب کشورها در مرزبندی‌های سیاسی با تأکید بر نگاه مقایسه‌ای	سازماندهی دوباره در رویکردی مقایسه‌ای	Lisa Handely, Bernard geofman(۲۰۰۸)
بررسی ساختار سیاسی - اداری بلغارستان و سطوح پنج‌گانه موجود پس از اصلاحات اداری و روابط شکل گرفته	روابط سیاسی - اداری در سطح مرکزی دولت بلغارستان	Vessela Bozhidarov(۲۰۰۰)
بررسی و شناخت ناحیه و تعیین و اندازه مرزهای فضایی و قضایی و ناحیه‌بندی حوزه‌های انتخابی در آمریکا	ویژگی‌های ناحیه‌بندی و روابط فضایی در آمریکا	Daniel Christopher Bowen(۲۰۱۰)

۴- مبانی نظری

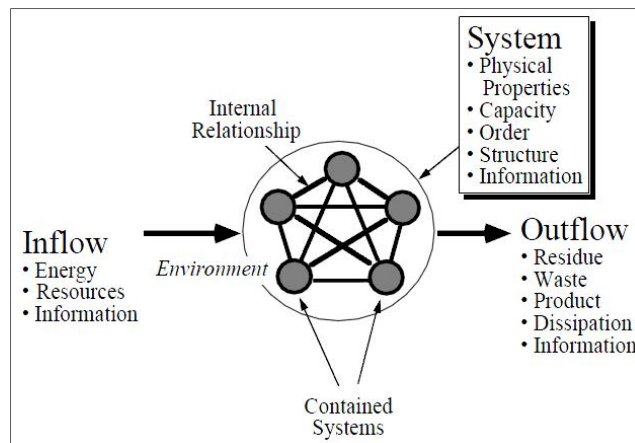
۴-۱- نگرش سیستمی

برداشت سیستمی یکی از روندهای روش‌شناختی علم است که در تلاش برای خروج از بحران شناخت علمی با معرفی «نظریه عمومی سیستم‌ها» توسط «برتالانفی» مطرح شد (Vanderpool, ۲۰۰۸: ۷۳). گسترش روش سیستمی در مطالعات علمی در سطوح مختلف دانشگاهی در فضایی بین رشته‌ای اتفاق افتاد و با تجزیه و تحلیل ساختاری-کارکردی از روند مطالعه سیستم‌ها همراه شد (Fullan, ۲۰۰۵: ۳۸). این رویکرد در مراحل بعد توسط جامعه‌شناسان معروفی نظیر پارسونز در مطالعه رفتارهای انسان به کار گرفته شد. وی در تحلیل خود از سیستم عمومی رفتار انسانی جایگاه ویژه‌ای را برای مفهوم تعادل قائل شد (Dowran, ۱۲: ۲۰۰۰). این دیدگاه در دوران معاصر به‌ویژه با کارهای اثرگذار جغرافیادانانی مانند چورلی، هاگت و هاروی وارد ادبیات جغرافیایی شد و زمینه شکل‌گیری تئوری‌های متعددی در علوم ناحیه‌ای را فراهم آورد (Rostaei, ۱۹۹۸: ۳۹).

جدول شماره ۲: تعریف سیستم از نگاه اندیشمندان و صاحب‌نظران

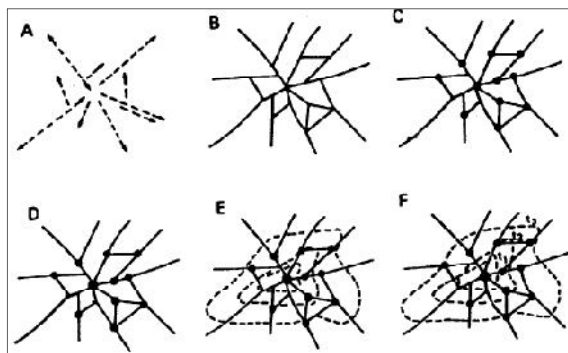
ردیف	تعاریف	محقق
۱	مجموعه‌ای از پدیده‌ها یا روابط بین آنها و مشخصه‌های آنها می‌دانند. این اجزاء در راه تحقق یک هدف حرکت می‌کنند و یکدیگر را در جهت تحقق این هدف کامل می‌نمایند	(Martin, ۲۰۰۵)
۲	مجموعه‌ای از کارکردها که در زمان و فضا از طریق مجموعه‌ای از تصمیم‌گیری‌ها به هم مربوط می‌شوند	Thornton,) (۲۰۰۴)
۳	مجموعه واحدهایی که بین خود دارای ارتباط متقابل هستند، وی ارگانیزم‌ها را سیستم‌های باز می‌دانست که با محیط اطراف خود تبادل ماده‌ای دارند.	(Strauss, ۲۰۰۲)
۴	سیستم یک کل نظام‌یافته مرکب از عناصر متعدد است که آنها را تنها در ارتباط با یکدیگر و بر حسب جایگاهی که در این کل دارند، می‌توان شناخت.	Warren, K &) (Franklin, ۲۰۰۶)

- تعاریف فوق ویژگی‌های مشترکی را در برداشت از هر سیستم بیان می‌کنند.
- **تعامل:** مجموعه اعمال متقابلی که بنا بر رفتار و ماهیت سیستم، بین عناصر و اجزاء آن در جهت بقاء سیستم وجود دارد.
 - **کلیت:** یکپارچگی عملکردی اجزاء و کیفیت‌هایی که عناصر سیستم به‌تنهایی دارای آن نیستند.
 - **سازمان:** سلسله‌ای از روابط بین عناصر که یک واحد را حاصل می‌آورند. و دارای دو جنبه ساختاری و کارکردی است.
 - **سلسله مراتب:** فرایندها در سیستم به ترتیب از سیستم اصلی به زیرسیستم‌ها جریان می‌یابد (Weinberg, ۲۰۰۱).
 - **پیوند یا ارتباط:** هر رشته مکرر از رفتارها که در یک سیستم پا می‌گیرد در سیستم دیگر به آن واکنش نشان داده می‌شود. در واقع انسجام و انتظام یک سیستم از طریق پیوندهای پایدار و محکم در میان عناصر آن پدیدار می‌شود (James, ۱۹۹۲).



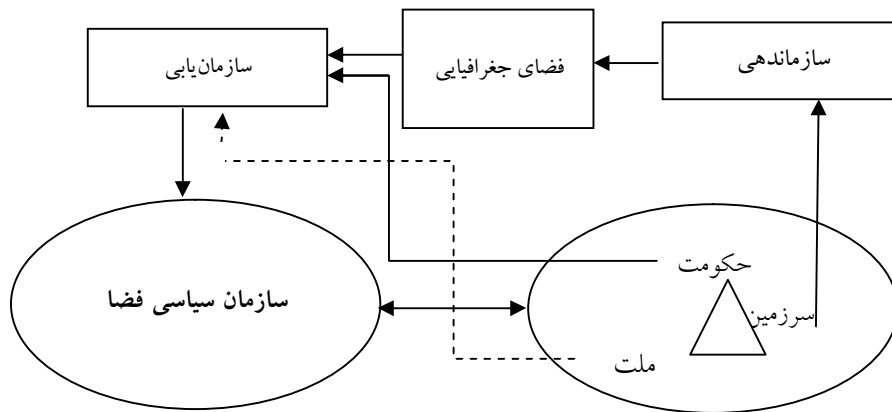
شکل شماره ۱: تصویر عمومی یک سیستم (Hitchins, ۱۹۹۲: ۵۲)

اجزاء تشکیل دهنده فضای جغرافیایی و سازمان حاصل از عملکرد و کنش متقابل آنها بخشی از فرایندهای گسترده در فضا هستند (Gatrell, ۱۹۸۳: ۵۷). این اجزا در قالب نقاط ظاهر می‌شوند که بین آنها جریان انرژی و اطلاعات برقرار است. این جریان باعث شکل‌گیری شبکه‌هایی از اتصالات و راه‌ها می‌شود. هر کدام از نقاط دارای جایگاه عملکردی خاصی در نظام سلسله مراتبی موجود بین آنهاست که باعث شکل‌گیری حوزه‌های نفوذ می‌شود (Hagget, ۱۹۷۱: ۴۰). هاگت سازمان فضا را به صورت نقاط گره‌ای در یک فرایند شبکه‌ای نشان می‌دهد.



شکل شماره ۲: مراحل تحلیل سیستم‌های فضایی (Ibid, ۱۹۷۱: ۴۱)

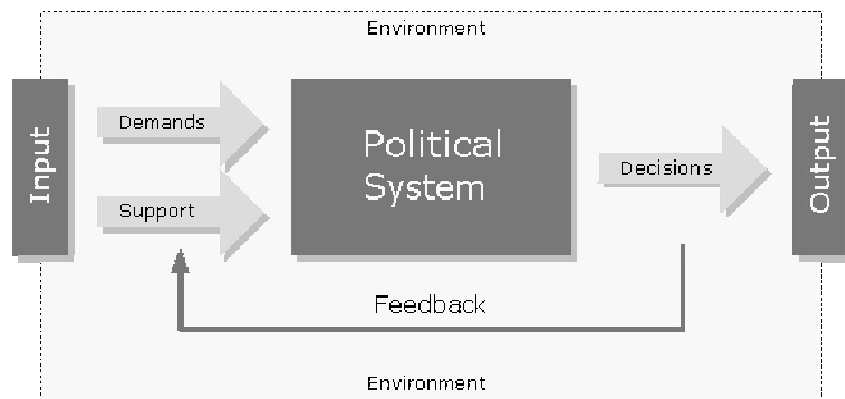
اجزا اصلی فضا را می‌توان در قالب نقاط (سکونتگاه‌ها)، شبکه‌ها (جریان روابط) و نظام سلسله مراتبی (سطوح اداری - سیاسی) مورد بررسی قرار داد. در این تحلیل فضا به صورت یک سازمان جلوه می‌نماید که عرصه جغرافیایی و انسانی آن سرزمین و انسان‌های ساکن در آن می‌باشد و جریان روابط از سکونتگاه‌ها بر اساس ظرفیت‌های مکانی و جذابیت‌های آن سازمان‌یابی شده است (Short, ۱۹۹۳: ۱۱۵). این فرایند پیش از تشکیل حکومت‌ها شکل گرفته و در طول تاریخ ثابت یافته است. حکومت محصول فرایندهای سیاسی است که یک ملت، آنها را در جامعه و محیط طبیعی خاص سازمان می‌دهد. با تشکیل حکومت‌ها نوعی سازمان شکل می‌گیرد که حاصل اعمال نظام سلسله مراتبی بر فضا می‌باشد. لذا هر نوع برنامه‌ریزی و سازماندهی، بدون در نظر گرفتن سازمان فضایی موجود، باعث بهم خوردن تعادل فضا خواهد شد. شکل زیر رابطه بین سازمان‌یابی و سازماندهی در فضا را نشان می‌دهد.



شکل شماره ۳: سازمانیابی و سازماندهی فضا

۳-۴- سیستم سیاسی (کشور)

ایده نظام سیاسی از این باور سرچشمه می‌گیرد که علت وجودی حکومت تدوین و اجرای تصمیماتی برای جامعه است که عبارت از ساختار و ترکیب نهادهای سیاسی و همچنین شیوه اعمال قدرت سیاسی و البته اصول و قواعد حاکم بر آن می‌باشد و تنها منحصر به بخش‌های سیاسی نمی‌شود و در سایر عرصه‌های اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و... نیز اعمال حاکمیت می‌نماید (Zachary, ۲۰۰۷: ۴۸).



شکل شماره ۴: سیستم سیاسی (Lohman, ۲۰۰۹: ۴۳ به نقل از Easton, ۱۹۶۵)

سیستم سیاسی از عناصری تشکیل شده است که ممکن است با هم هماهنگ و یا ناهماهنگ باشند، اما به همدیگر وابسته‌اند، چرا که در غیر این صورت اجزای یک سیستم نخواهند بود؛ این عناصر ساختارهای این نظام هستند. ایستون^۱ برای اولین بار در دهه ۱۹۴۰ کشور را به‌عنوان یک سیستم معرفی کرد. وی نظام سیاسی را سیستمی می‌داند که ورودی‌ها را پردازش و به خروجی تبدیل می‌کند (Lohman, ۲۰۰۹: ۴۳). ورودی‌ها تمامی عناصری هستند که بر سیستم اثر می‌گذارند و سیستم بسته به نوع فعالیت‌ها خروجی‌ها را عرضه می‌کند. ورودی‌هایی که به سیستم وارد می‌شود با اثرگذاری در ساختار سیستم به‌صورت مؤلفه‌های جدید در محیط سیستم خود را آشکار می‌کنند. از این‌رو مفهوم سیستمی کشور حاکی از آن است که سیستم سیاسی از کارکردی گسترده و تا حدودی مشخص برخوردار است. این سیستم به‌ویژه از تعدادی عناصر (زیرسیستم‌ها) تشکیل یافته است که به‌وسیله جریان‌ات درونی با هم در ارتباط هستند (De blij, ۱۹۸۷: ۳۹). در رویکرد سیستمی، با توجه به ارتباط عناصر، از کنش دو عنصر جمعیت و سرزمین؛ عنصر سازمان‌دهنده حکومت ایجاد و کشور (سیستم سیاسی) شکل می‌گیرد.

جدول شماره ۳: عناصر و اجزای کشور تشکیل‌دهنده کشور

عناصر	اجزا
سرزمین	سازماندهی، مرزها، ارتباطات و...
ملت	جمعیت، احزاب، انتخابات و...
حکومت	دولت، قانونگذاری، قضایی و نیروی دفاعی و...

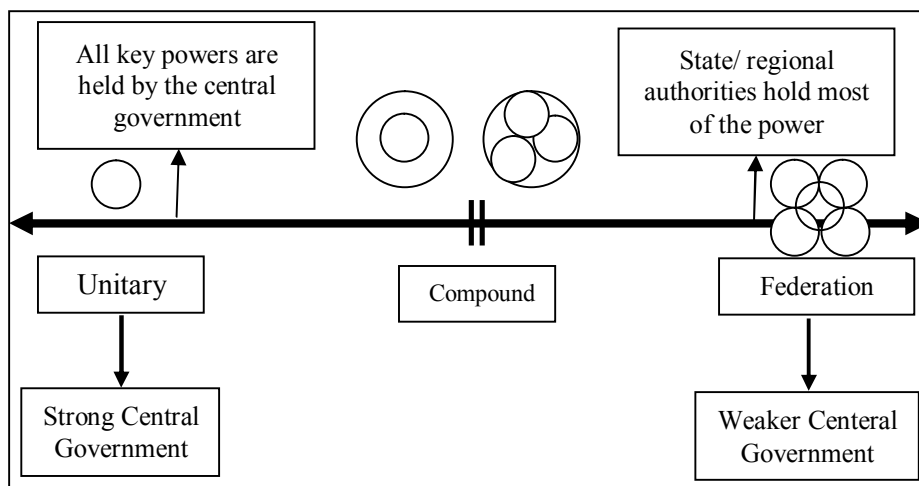
Glassner & Fahrer, ۲۰۰۴: ۳۲

۵- یافته‌های تحقیق

۵-۱- الگوهای فضایی حکومت

^۱-D. Easton

نحوه اعمال اراده سیاسی و چگونگی توزیع قدرت حکومت در سطح و فضای درون واحد سیاسی از مهمترین مباحث جغرافیای سیاسی است که تحت عنوان سازمان سیاسی فضا مطرح است (Ghalibaf, ۲۰۰۹: ۱۳). توزیع فضایی قدرت در هر یک از نظام‌های سیاسی متفاوت است. هر زمان عامل قدرت بر فضای جغرافیایی سلطه می‌یابد، سیستم ارزشی خود را در آن فضا مستقر می‌نماید. در واقع بین نظام‌های حکومتی و الگوی توزیع فضایی قدرت سیاسی و احاطه اقتدار تصمیم‌گیری به نواحی جغرافیایی رابطه وجود دارد. هر یک از این نظام‌های سیاسی شیوه خاصی را برای سازماندهی سیاسی فضا اعمال می‌نمایند که فرم‌های حاصل در فضا بازتابی از انجام این فرایند توسط حکومت مرکزی در ساختار درونی کشور می‌باشد. به نظر می‌رسد که در میان نظام‌های سیاسی کنونی جهان به اندازه تعداد کشورها، الگوی توزیع و پخش فضایی قدرت وجود دارد که دو نمونه کاملاً یکسان را نمی‌توان یافت. دولت‌ها درجه یا طیفی از توزیع و تمرکز قدرت را در پهنه سرزمینی خود گسترده‌اند که با دیگری متفاوت است (Cameron, ۲۰۰۵: ۲۴۴).



شکل شماره ۶: طیف توزیع فضایی قدرت سیاسی (نگارنده با اقتباس از Utomo, ۲۰۰۹)

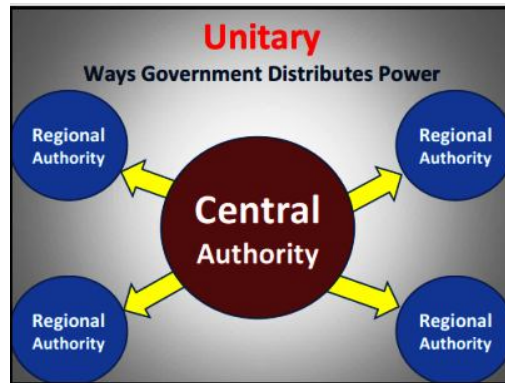
یک سمت این طیف به سوی تمرکز (بسیط) و سمت دیگر به سوی عدم تمرکز (فدرال) کشیده شده است. هر یک از این دو الگو شیوه خاصی را برای سازماندهی سیاسی فضا اعمال

می‌نمایند که فرم‌های حاصل در فضا بازتابی از انجام این فرایند می‌باشد (Herve, Rui Cai, ۲۰۰۷: ۵). فرایند سازماندهی که طی آن تقسیم کار و وظایف میان سطوح مختلف سرزمین و گروه‌های کاری و هماهنگی میان آنان به منظور کسب اهداف مورد نظر- جریان پایدار سیستمی - صورت می‌گیرد، ساخت سازمان حاصل از فرایند سازماندهی برای اداره سرزمین است (Howard, ۱۹۷۶: ۳۳۰). در ادامه با توجه به موضوع پژوهش به بررسی الگوی بسیط پرداخته می‌شود.

۱-۱-۵- الگوی بسیط

واژه بسیط از لغت لاتین (Unity) می‌باشد که تأکید بر یکی بودن، و به هم پیوستگی حکومت دارد (Glassner & Fahrner, ۲۰۰۴: ۱۰۸). الگوی بسیط سیستمی است که در آن همه اختیارات و اقتدار در قانونی واحد قرار داشته و قدرت و هم‌چنین کارگزاران و عوامل آن به صورت قانونی در سراسر کشور حضور داشته و اعمال حاکمیت می‌نمایند (Finer, ۱۹۷۱: ۲۴۴). حاکمیت در این سیستم غیرممتزع و جدایی‌ناپذیر است (Mojtahedzadeh, ۲۰۰۲: ۱۱۲). ساختار مرکزی تمامی مدیریت‌های محلی را تحت نظارت خود دارد و میزان قدرت آنها را تعیین می‌کند؛ حتی ممکن است در برخی موارد به طور موقت نقش مدیریت محلی را هم به عهده بگیرد. حکومت مرکزی می‌تواند تصمیم‌های خود را بر تمام حکومت‌های محلی تحمیل کند، بدون توجه به اینکه آیا این تصمیم‌ها مورد احترام و پذیرش مردم آن نواحی هست یا خیر؛ در موارد ضروری و هنگام بحران‌های ملی، حکومت مرکزی می‌تواند با کسب قدرت بیشتر وارد عمل شده و بحران را مرتفع سازد و یا بر عکس در دوره‌های آرامش، مسئولیت‌های بیشتری به حکومت‌های محلی اعطا کند (Glassner & Fahrner, ۲۰۰۴: ۱۰۹). میل این سیستم به سوی وحدت و همگرایی، تمرکز طلبی و یکپارچه‌سازی قدرت است؛ قوای سه‌گانه یعنی مجریه، مقننه و قضائیه در مرکز سیاسی کشور متمرکز است و همه ادارات تابع این قوای سه‌گانه از دستورات حکومت مرکزی تبعیت می‌کنند (Ahmadypour & Ghanbari, ۲۰۱۲: ۱۹). ماهیت حکومت بسیط تمرکز و عدم تقسیم قدرت می‌باشد (Strong, ۱۹۹۷: ۴۰). شکل شماره ۶ جریان روابط

قدرت در این الگو را نشان می‌دهد.



شکل شماره ۶: جریان روابط و توزیع فضایی قدرت در ساختار بسیط

(Herve, Rui Cai, Reed, ۲۰۰۷: ۸)

در این الگو، به سازمان‌های محلی و منطقه‌ای به‌عنوان یک زیر سیستم که دارای روابط سیستمی در درون ساختار فضایی کشور می‌باشد، توجه‌ای نمی‌شود و تصمیم‌گیری‌های سیاسی - اداری از پایتخت (کانون سیاسی) که «گره» مرکزی سیستم است به پایین‌ترین سطوح القاء می‌شود (Rostae, ۱۹۹۸: ۹۵). در واقع در این نظام‌های متراکم حاکمیت بر اصول تمرکز استوار است و تمرکز نظام شیوه‌ای است که در آن تصمیمات در زمینه کلیه امور عمومی (محلی و ملی) توسط مرکز سیاسی و اداری واحدی که معمولاً در مرکز قرار دارد، اتخاذ و به‌موقع به اجرا گذاشته می‌شود. نقشه سیاسی جهان بیش از صد و پنجاه کشور با الگوی بسیط را نشان می‌دهد (Glassner & Fahrner, ۲۰۰۴: ۱۰۰).

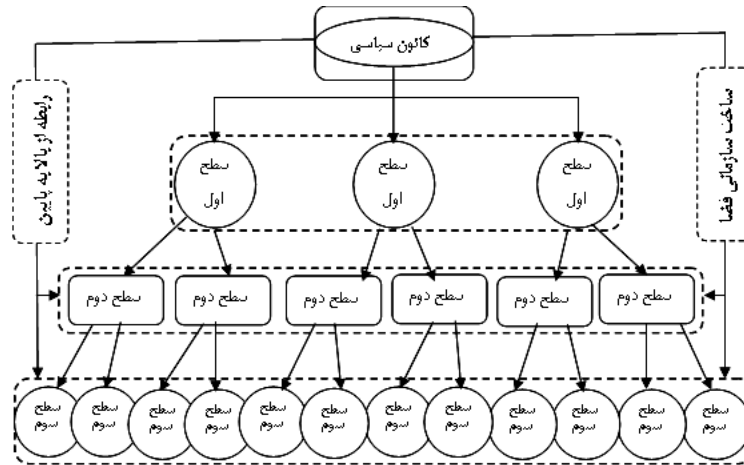


نقشه شماره ۲: پراکندگی کشورها با الگوی بسیط در جهان (www.wikipedia.com)

حکومت‌های بسیط از حیث تمرکزگرایی در کنترل اقتدار سیاسی به درجات مختلفی تقسیم می‌شوند که دو نمونه عمده آن عبارتند از:

الف) متمرکز: این الگو اشاره به تمرکز قدرت حکومت بدون افراط در مسیر اقتدارگرایی یا در انتقال تدریجی قدرت دارد. ثبات در این سیستم‌ها به سبب همسانی جمعیت و به هم پیوستگی عناصر فرهنگی و سنتی حفظ شده است.

ب) تمرکز زیاد: در این سیستم تنوع و گوناگونی داخلی، عدم تجانس قومی، قبیله‌گرایی یا محلی‌گرایی که تهدیدی برای واگرایی است، با کنترل مطلق و محدود کننده‌ای مهار می‌شود (Glassner & Fahrer, ۲۰۰۴: ۱۱۱).



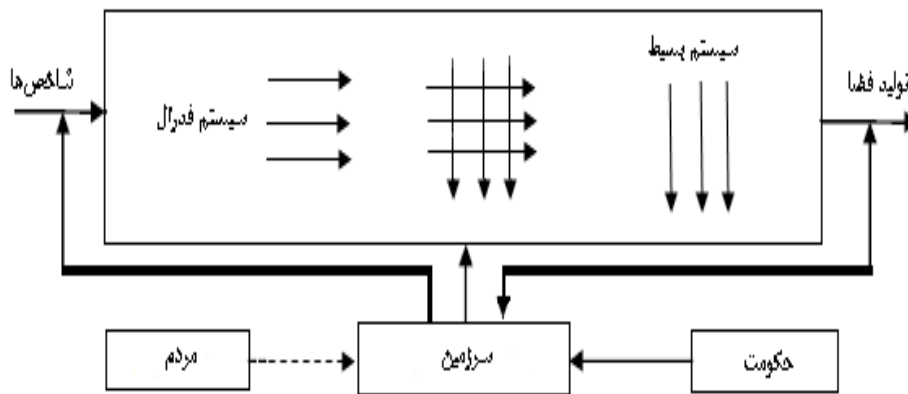
شکل شماره ۷: ساختار سلسله مراتبی یک سویه و از بالا به پایین در الگوی بسیط

الگوی بسیط از ساختار فوق تبعیت می‌نماید. در ساختار مزبور شبکه روابط و جریان‌ها به صورت رسمی و سلسله مراتبی بوده، روابط یک‌سویه و از بالا به پایین می‌باشد و به دلیل یک‌سویه بودن ارتباطات، عکس‌العمل گیرنده در آن لحاظ نمی‌شود. از این رو موجب عدم درک واقعیت‌های موجود از فضای جغرافیایی می‌گردد؛ همچنین تعاملات هم‌عرض ناچیز و تعامل سطوح پایین سیستم با سطوح فوقانی وجود ندارد (Ibid: ۱۱۲).

۲-۵- سازماندهی سیاسی فضا

سازماندهی سیاسی فضا مرزبندی برای ارائه هر چه بهتر امکانات، تسهیلات، خدمات عمومی (آموزش، بهداشت، انرژی، امکانات رفاهی، امنیت و...)، اداره عمومی کشور و نهایتاً تسهیل اعمال حاکمیت می‌باشد. کارکرد تقسیمات کشوری در بعد سیاسی به سطح‌بندی قدرت در فضای سرزمینی، در بعد اداری به تمرکز یا عدم تمرکز در حیطه اختیارات و در بعد جغرافیایی به نحوه تقسیم‌بندی فضای سرزمینی- بر مبنای عوامل قومی، زبانی، فرهنگی، مذهبی، جمعیتی و ... می‌باشد (Mirshekaran, ۲۰۰۹: ۵) و مبتنی بر حضور بافتی بسیار متراکم از مجموعه‌ای به هم‌تنیده، گوناگون، پیچیده و تکمیل‌کننده است که گره مستحکم آن را

شالوده‌ریزی شهری تشکیل می‌دهد. تجهیزات مربوط به زیرساخت‌ها در تنظیم فضا مؤثر می‌افتد و امکان توزیع فعالیت‌ها را در آن فراهم می‌آورد (Dollfus, ۱۹۹۰: ۱۵۰). سازمان سیاسی فضا شبکه ارتباطات درونی فضا را مورد مطالعه قرار می‌دهد و به توسعه فضا، چه در سطح خرد و چه در سطح کلان هویت می‌بخشد تا بر پایه روندهای ایجاد شده، بهره‌برداری عقلانی از امکانات و توان بالقوه منابع طبیعی و انسانی در مسیر توسعه متعادل و موزون کشور و مناطق هدایت گردد. این ساز و کار (سازماندهی سیاسی فضا) در بعد فضای ملی شیوه اداره سیاسی فضا به منظور توسعه منطقه‌ای، آمایش سرزمین، توسعه سرزمین و غیره را با دیدگاه همه‌جانبه، آینده‌نگر و راهبردی و با در نظر گرفتن محدودیت‌های طبیعی، انسانی و اقتصادی در فضاهای جغرافیایی و نیازهای سنجیده و منطقی جامعه و اقتصاد که در صدد برقراری تعادل و توازن زیست-محیطی و ایجاد فرآیند توسعه پایدار سرزمینی است را به‌عنوان پایه و زیرساخت مدیریت سیاسی فضا ممکن می‌سازد (Ahmadypour & Ghanbari, ۲۰۱۲: ۱۹).



شکل شماره ۸: الگوهای سیستمی جریان روابط سازمان فضا در کشور

تقسیم‌بندی سیستمی در سازمان فصل مشترک تمام پدیده‌های عینی و غیرعینی نظیر منابع طبیعی، جمعیت، فرهنگ، فعالیت، زیرساخت‌ها، تشکیلات و روابط و حرکات و... است که به تبع پیشینه و هویت تاریخی، نظام حکومتی در ظرف زمان آرایش خاصی به‌خود می‌گیرد که ترجمان فضایی - سرزمینی آن در قالب انگاره‌های متمرکز، غیرمتمرکز و... قابل رویت است.

بدین اعتبار نظام تقسیمات سیاسی هم شاخص و هم عامل تسهیل‌کننده اعمال حاکمیت و بستری مطلوب برای رشد و توسعه پایدار ساختار سیاسی می‌باشد (Soja, ۱۹۷۱: ۵). عملکرد سازمان سیاسی فضا شکل‌های انتظایافته فضای جغرافیایی را به وجود می‌آورد که دارای کمترین عدم تعادل هستند، اما در اغلب موارد به علت ضعف شناخت جریان‌ها و نیروهای موجود در سازمان سیاسی فضا در ساختارهای در حال توسعه باعث برهم خوردن نظم درونی فضا و بی‌نظمی در تکوین و تکامل آن می‌شود که به توسعه نابرابر و غیرمتعادل منجر می‌گردد و تنظیم روابط و سازماندهی چنین عملکردی برای کاهش بی‌نظمی در سیستم مستلزم صرف هزینه‌های کلان می‌شود و در بسیاری از موارد خود باعث تشدید بی‌نظمی شده و کارکردهای ملی و منطقه‌ای را با مسائل حادی روبرو می‌سازند.

از آنجا که سرزمین و روابط موجود در آن با توجه به فرایندهای تاریخی در گذر زمان به عمل متقابل در برابر یکدیگر سوق داده می‌شود و رابطه‌ای ارگانیک برقرار می‌گردد، نیاز است تا در امر سازماندهی فضا به این مقوله توجه کافی شود تا باعث انجام تغییرات در سطوح مختلف سرزمینی و موجبات عدم تعادل در ساختارهای اکولوژیکی و به تبع آن اجتماعی نگردد.



شکل شماره ۹: مدل سیستمی فرایند سازماندهی فضا

۶- تجزیه و تحلیل

ماهیت تقسیمات فضا به‌گونه‌ای است که نمی‌توان صرفاً از یک نظام سامانمند بر پایه شاخص‌هایی منطقی و مشخص جهت ناحیه‌بندی سیاسی استفاده کرد. چرا که ذات ناحیه‌بندی

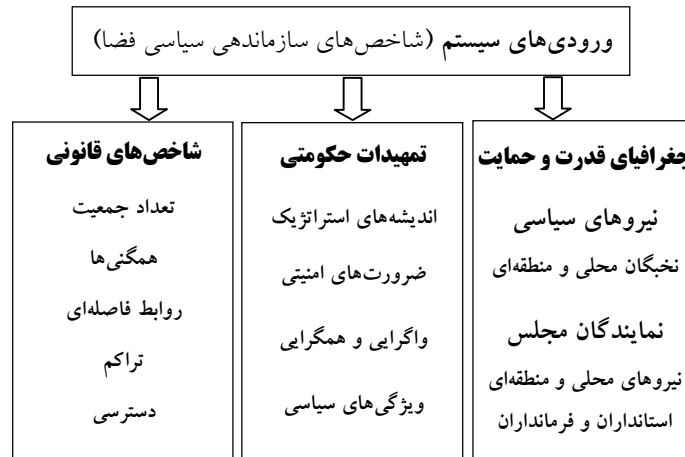
سیاسی بر پایه تعیین سطوح اداری- سیاسی استوار است که گروه‌های انسانی تلاش می‌کنند حداکثر منافع را برای خود و گروه مورد نظرشان فراهم کنند. تجربه سازماندهی سیاسی فضا در آمریکا با رواج پدیده جری ماندرینگ^۱ و تجربه تقسیماتی در ایران با پدیده‌های جغرافیای قدرت و حمایت^۲ که تلاش می‌نمودند تا خارج از شاخص‌های قانونی سطح‌بندی بر اساس خواست خود به سازماندهی فضا بپردازند، تأییدی بر گستردگی شاخص‌ها و مؤلفه‌های تقسیماتی است (Mirshekaran, ۲۰۰۹: ۱۴۷).

۱-۶- ورودی‌های سیستم

در رویکرد سیستمی مجموعه شاخص‌ها به‌عنوان ورودی‌های سیستم سیاسی می‌باشند که با توجه به وضعیت جغرافیایی و شرایط تاریخی- اجتماعی سیستم سیاسی و نحوه تأثیرگذاری حکومت مرکزی بر آنها شبکه فضایی کشور شکل می‌گیرد و پیامدهای آن به‌عنوان خروجی‌های سیستم به‌صورت تعادل یا عدم تعادل‌های فضایی خود را نشان می‌دهد. بر این اساس در رویکرد سیستمی شاخص‌های سازماندهی سیاسی فضا را به شکل شماره ۱۰ در سه بخش که با هم در ارتباط متقابل می‌باشند، قابل تقسیم می‌باشد:

۱-Jerry Maundering

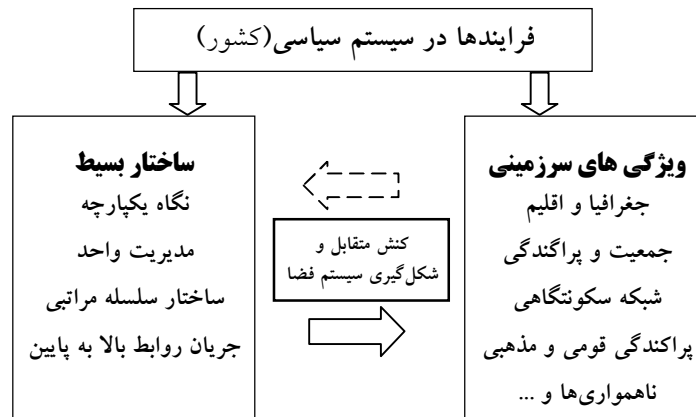
۲-Geography of Power and Support



شکل شماره ۱۰: شاخص‌های سازماندهی سیاسی فضا در رویکرد سیستمی

۲-۶- فرایند سیستمی

حکومت با توجه به اهداف خود و بر اساس شاخص‌های ذکر شده به سازماندهی فضای داخلی می‌پردازد. از انجام سازماندهی سرزمین بر اساس این شاخص‌ها جریانی از روابط در فضا شکل می‌گیرد. این روابط شبکه‌ای را در ساختار کشور شکل می‌دهند که نوع و چگونگی جریان روابط آن در ادامه حیات سیستم سیاسی تعیین کننده است. نوع و شکل ساختار سیاسی از نظر متمرکز یا فدرال بودن نقش اصلی را در ناحیه‌بندی سیاسی فضا ایفا می‌کند. در سیستم بسیط با توجه به ویژگی‌های خاص آن، ورودی‌های سیستم وارد چرخه‌ای از روابط سیستمی با رویکرد مشخص تمرکزگرا خواهد شد. شکل شماره ۱۱ ساختار سیستم و فرایندهای درونی آن را نشان می‌دهد.



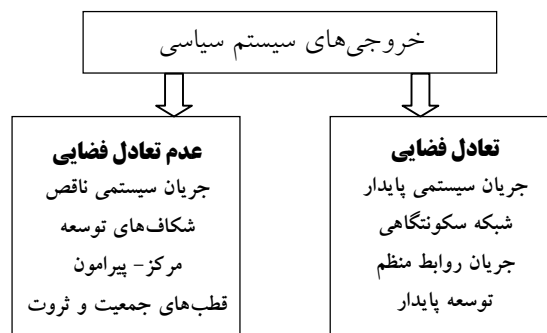
شکل شماره ۱۱: فرایندهای درونی سیستم در ساختار سیاسی

۳-۶- خروجی سیستم

با توزیع قدرت، دولت‌ها به دنبال دست یافتن به اهداف خود هستند. اما پیامدها و نتایج حاصل از این تغییرات همیشه به یک شکل عمل نمی‌کند و با توجه به تغییراتی که رخ داده است، نتایج متفاوتی را نشان خواهد داد. اگر این تغییرات با رویکردی سیستماتیک و با توجه به وضعیت فضا و سازمان حاصل از آن باشد، عملکرد مثبت و در غیر این صورت نتایج غیرقابل پیش‌بینی رخ خواهد داد (Sageata, ۲۰۱۱: ۳).

نگاه سیستمی شکل‌دهنده فضایی است که جریان روابط آن در ساختار حکومت نتایج مثبت یا منفی خواهد داشت و اثرات آن می‌تواند در دو حالت تعادل و یا عدم تعادل ظاهر شود. در حالت اول، جریان روابط در سرزمین باعث شکل‌گیری شبکه‌های فضایی شده و در یک ساختار سیستماتیک نقاط و گره‌ها را در شبکه ملی سرزمین بر اساس سلسله مراتب اداری- سیاسی در مسیر توسعه قرار می‌دهد. از رهگذر این جریان، خواست‌های اساسی حکومت برآورده شده و با سیستمی با آنتروپی منفی و حرکت به سمت حیات باثبات سیستمی مواجه هستیم؛ در حالت دوم، عدم استفاده همه‌جانبه و سیستماتیک از شاخص‌های سازماندهی جریان روابط و شبکه‌های فضایی را دچار آشوب، نقصان و کاستی نموده که پیامد آن طیف

وسیع‌تری از بی‌نظمی، عدم تعادل فضایی و بحران از قبیل پدیده تک‌شهری، منظومه‌های پراکنده فضایی، شکاف‌های سرزمینی، مرکز-پیرامون، جدایی‌طلبی و در نهایت فروپاشی سیستم خواهد بود. شکل شماره ۱۲ خروجی سیستم را نشان می‌دهد.



شکل شماره ۱۲: خروجی‌های سیستمی سازمان سیاسی فضا

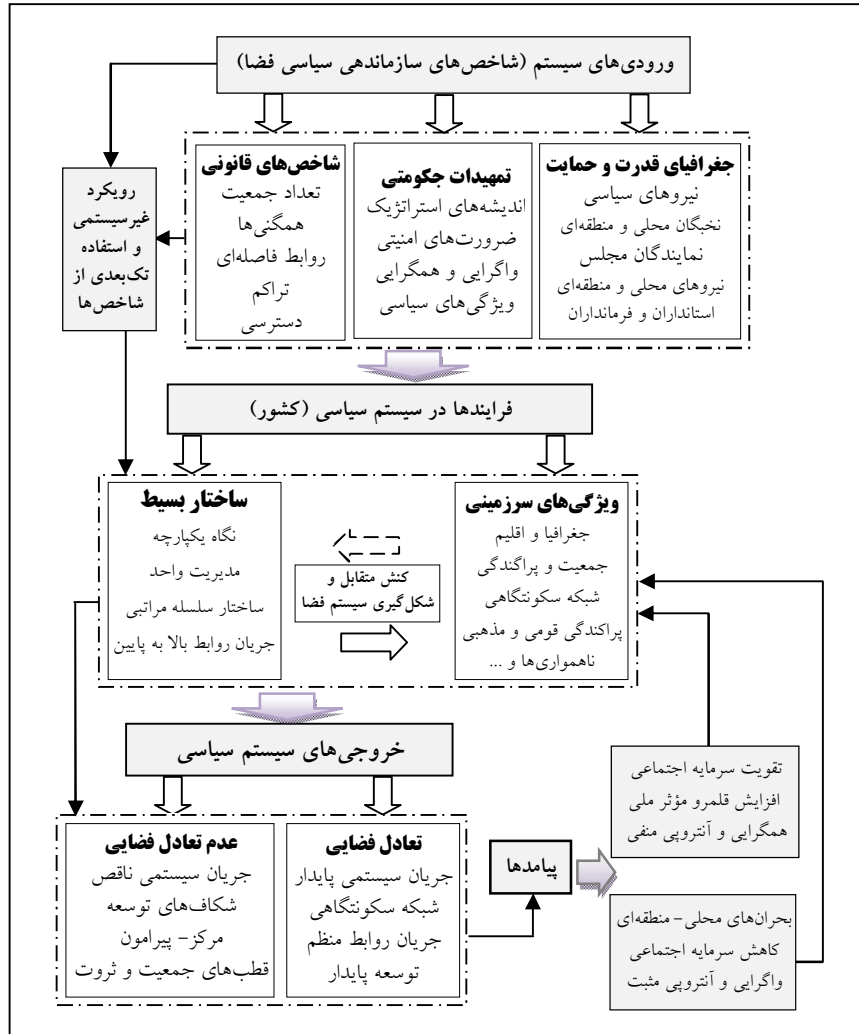
۷- جمع‌بندی و نتیجه‌گیری

نگرش سیستمی به موضوع سازماندهی ضرورت اجتناب‌ناپذیری است که سازمان سیاسی فضا در قالب آن تحلیل می‌شود. این نگرش به ما کمک می‌کند که تمامی اجزاء مؤثر در فرایند سازماندهی فضا را بررسی نماییم. الگوی سازماندهی سیاسی فضا در صورتی می‌تواند در ساختار فضایی عملکرد مناسبی داشته باشد که اصول، مبانی و مؤلفه‌های سازماندهی در آن رعایت شده باشد و این امر میسر نمی‌شود مگر اینکه ما در سازماندهی سرزمین‌نگاهی سیستماتیک به مؤلفه‌های مورد استفاده داشته باشیم.

بقای ملی و تسهیل در حاکمیت مستلزم استفاده و توجه ویژه به شاخص‌های متکثر موجود در مدیریت سرزمین می‌باشد تا ویژگی‌های اضافه شده به سرزمین بتواند جریان روابط در فضا را در ساختاری سیستماتیک حرکت دهد. توانایی ایجاد حرکت بدون فشار به سرزمین و جمعیت باعث شکل‌گیری شبکه‌ای از روابط در فضا خواهد شد که سامان‌دهنده سیستم سرزمین و ارائه دهنده روشی است که از طریق آن تصمیمات سیاسی-اجرایی در فضا انعکاس

داده می‌شود و همچنین در اثر نمود آن ساخت‌های سیاسی در یک سطح سلسله مراتبی شکل گرفته و مسیر جریان را تعیین می‌کنند.

با نگاهی سیستماتیک به مقوله سازماندهی سیاسی فضا و استفاده از متغیرهای ذکر شده در مدیریت سرزمین می‌توانیم رویکردهای اجتماعی- سیاسی، فرهنگی و اقتصادی را در بستر جغرافیایی- سرزمینی شناسایی کرده و ساخت فضایی موجود را تحلیل نماییم. ورودی‌های سیستم در سازماندهی سیاسی فضا در صورتی که به‌صورت همه‌جانبه مورد استفاده قرار گیرد، می‌تواند در ساختار فضایی بسیط عملکرد مناسبی داشته باشد و با توجه به کارایی آن، تسهیل در حاکمیت ملی را سبب گردد.



شکل شماره ۱۳: الگوی سیستماتیک سازماندهی سیاسی فضا در ساختارهای بسیط

۸- قدردانی

نگارندگان بر خود لازم می‌دانند از معاونت پژوهشی دانشگاه تربیت مدرس به‌خاطر حمایت‌های مادی و معنوی از انجام این پژوهش تشکر و قدردانی نمایند.

References

۱. Ahmadypour, Zahra, Ghanbari, Ghasem, (۲۰۱۲), The political organization of space, National Geographical Organization publication, Tehran[in persian].
۲. Dollfus, Olivier(۱۹۹۰); Analysis geography, translate: Sahami, Sirus, Nika Publication, Mashhad
۳. Ghalibaf, Mohamad bagher(۲۰۰۹); Local State or strategy of distribution of political power in Iran, Amirkabir publication, Tehran[in persian].
۴. Dowran, Daniel(۲۰۰۰); Systemic Theory, islamic revolution education pub, Tehran[in persian].
۵. Rostaei, Shahrivar(۱۹۹۸); Spatial organization of settlment system and its role in regional balance, a thesis for degree of doctor of philosophy in human geography, Tarbiat Modares University[in persian].
۶. Mojtahedzadeh, Piruz(۲۰۰۲); Political Geography and Geopolitics, samt pub, Tehran[in persian].
۷. Mirshekaran, Yahya(۲۰۰۹); analyzing the impressive factors on the instability of the country division boundaries after the islamic revolution, a thesis requirement for the degree of master of art on political geography, Department of Geography, Tarbiat Modares University[in persian].
۸. Cameron, R., (۲۰۰۲); Central–Local Financial Relations in South Africa, Local Government Studies. Vol. ۲۸(۳). pp. ۱۱۳–۳۴.
۹. Criekemans. David, (۱۹۹۳–۲۰۰۵); How subnational entities try to develop their case of Flanders, International conferece Challenges for Foreign Ministers: Managing Diplomatic Networks and Optimising Value. Geneva, May, ۱۳-June.
۱۰. Derek k. Hitchens (۱۹۹۳); Putting Systems to Work, Published by John Wiley & Sons, ISBN ۰ ۴۷۱ ۹۳۴۲۶ ۷ New York.
۱۱. Gatrell. A(۱۹۸۳) Distance and Space, a geographical perspective, Oxford clarendon press.
۱۲. Geoff, Walsham; Sundeep, Sahay(۱۹۹۹); Gis for district- level administration in India: Problems and opportunities; Mis Quarterly; Mar ۲۳.abi/inform global.
۱۳. Glassner, M. and Fahrer, C (۲۰۰۴); Political Geography, ۳rd Edition. New York: John Wiley.
۱۴. Haggett, Peter (۱۹۷۷); Geography: A modern Synthesis, London, Harper and Row.

۱۵. Honey.RexDean(۱۹۷۲); *Conflicting Problems in the Political Organization of Space: the London Experience*, University of Minnesota, AAT ۷۳۰۱۰۲۱, United States – Minnesota.
۱۶. Howard. M. Carlisle (۱۹۷۶); *Management: Concepts and Situation*.Chicago: Science Research Associates. Urbana champigon۷۱.
۱۷. Peterson, S.A. & Rasmussen, T.A (۱۹۹۴); *State and Local Politics*. New York: McGraw-Hill.
۱۸. Reed.Matthe, Herve. Seth, Yun. Rui. Cai (۲۰۰۷); *Method of Redistricting with an application to New York*. University of california. Dvis.۳۸.۶
۱۹. Sageata,Radu,(۲۰۱۱)' *The administrative-political function of human settlement and the role it plays in organizing geographical space. Case study-Romania*, Human Geography, journal of studies and researchin geographis,۵.۱
۲۰. Soja, Edward(۱۹۷۱); *The political organization of space,association of American Geographers*, Washington d,c ۲۰۰۳۶.
۲۱. Taylor, Alastair(۱۹۷۵); *A system approach to the political organization of space, social science information*, university of alberta, published by sage pub.۱۴.۷.
۲۲. Handely, Lisa & Grofman, Bernard(۲۰۰۸); *Redistricting in comparative perspective: Oxford University press*. Great Clarendon street oxford ox۲ ۶dp.
۲۳. Vessela Bozhidarova, Vesselina Kolcheva and Rumiana Velinova(۲۰۰۰); *Politico-Administrative Relations in Bulgaria at Central Government Level*, Publishing Centre of the National assembly. Sofia.
۲۴. Zachary, Nathan Schulman (۲۰۰۷); *New Geopolitics of the Northwest Passage and Implications for Canadian Sovereignty*, George Washington University.
۲۵. Harm. J. De Blij(۱۹۸۷); *Systematic Political Geography*, Michigan State University, Second Edition, John Wiley and Sons, New York.
۲۶. Lohman, Andrew Davis(۲۰۰۹); *The geography of Insurgency: an urban network insurgency model of the Viet Nam war*, PhD Dissertation, University of Illinois, Urbana Champaign, USA.
۲۷. Weinberg, G, M(۲۰۰۱); *An introduction to General system thinking*, New York: Dorset House.
۲۸. Thornton, B & Peltier, G(۲۰۰۴); *Systems thinking: A skill to improve student achievement*, The clearing house,۷۷(۵).
۲۹. Martin, S(۲۰۰۵); *Sustainability, System thinking and professional practice, systemic practice and action research*,No۱۸.

۳۰. Fullan. M(۲۰۰۵); Leadership & Sustainability: System Thinkers in Action, Thousand Oaks, CA: Corwin Press, Inc.
۳۱. William. C. Vanderpool(۲۰۰۸); A System Approach: A Policy Analysis of State-Guided School Improvement Plans. A Project to the Faculty of Graduate School of Saint Louis University for the Degree of Doctor of Education, Proquest LLev۹۸Esenhower.
۳۲. Simon, Strong(۱۹۹۸); Distribution of Power in Federal Countries, edited by: D. Brown & Kincaid, McGill-Queens University press.
۳۳. Short, John Rennie(۱۹۹۳); An Introduction to Political Geography, London: Routledge.
۳۴. James. P. E(۱۹۷۲); All Possible Worlds: a history of Geographical idea, odyssey press. Indianapolis.
۳۵. Finer, Herman (۱۹۷۱); the Theory and Practice of Modern Government, ۱th edition. New York, Methoen.